

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۵۱

۱۸ مارچ ۲۰۱۵

## حکومت «وحدت ملی» ملغمه ای از دموکراسی غربی و معامله گری شرقی

گزینش یک رئیس جمهور منتخب در افغانستان یکی از بحث هائی بود که تبلیغات گسترده ای برای آن صورت گرفت و میلیون ها دالر صرف آن گردید. با آن که پروسه های ناکام چند انتخابات سمبولیک بعد از سال ۲۰۰۱ بیانگر ماهیت این «انتخابات»ها در کشور ما بود، اما با آنهم مسؤولان کمیسیون به اصطلاح مستقل انتخابات در آخرین «انتخابات» ریاست جمهوری بعد از این همه جار و جنجال و رسوائی با دیده درائی آن را دموکراتیک و حتا شفاف ترین انتخابات در سطح منطقه نامیدند و اشغالگران امریکائی هم خواستند تا از نم این «انتخابات» برای کشور ما کلاه بیافند و به مردم دنیا به خصوص امریکائی ها وانمود سازند که گویا برای افغانستان رئیس جمهور منتخب، دموکراسی و ثبات آورده اند.

جار و جنجال این مضحکه که به طولانی ترین انتخابات در جهان شهرت یافت، مقامات امریکائی را واداشت که مستقیماً مداخله کرده و به این غایله پایان بخشند. جان کیری وزیر امور خارجه امریکا اینبار پیراهن نوی به انتخابات افغانستان دوخته و اسمش را حکومت «وحدت ملی» گذاشت و با این کار خود نشان داد که امریکائی ها قادر هستند برای کشور هائی مانند افغانستان تعیین سرنوشت نموده و نظام آن را مطابق میل خود تغییر دهند.

اما حکومت «وحدت ملی» از چه معجونی ترکیب یافته است؟ این نوع حکومت که به دستور و سلیقه یک قدرت خارجی ساخته شد، به دو حکومت موازی در افغانستان شباهت دارد و به هیچ وجه قادر نیست کشور را از بن بست فعلی نجات بخشد. آیا اینگونه حکومت های مصلحتی می توانند نمادی از یک حکومت ملی با ساختار دموکراتیک باشند یا معجون مرکبست که هر چیزی را در آن می توان یافت، جز وحدت ملی و دموکراسی؟ عملکرد این ترکیب نا متجانس طی بیشتر از پنج ماه نشان داد که مشکلات متعدد مردم چون: مداخلات بیرونی، فقر، بیکاری، نا امنی، حملات انتحاری، اعتیاد، فساد و بیعدالتی در ادارات دولتی، آوارگی و هزاران مصیبت دیگر ذره ای برایشان اهمیت نداشته و منافع شخصی یا گروهی خود را بالاتر از منافع ملی و حل مشکلات اساسی ملت می دانند. اینها فقط بلد هستند بار ملامتی شکست های خود و مشکلات کشور را به دوش همسایه ها به خصوص پاکستان بیندازند، اما کار خانگی و مسؤولیت دولنداری خود را فراموش کنند. حکومتی که در طی این مدت نتوانست کابینه خود را تکمیل کند، چگونه قادر خواهد بود صدها مشکل دیگر این کشور را حل کند.

حکومت «وحدت ملی» که ترکیبی از تیم های «تحول و تداوم» به رهبری غنی و «اصلاحات و همگرایی» تحت رهبری عبدالله می باشد (به گفته مردم ما ع و غ)، هر کدام با دو مشکل بزرگ داخلی و بیرونی مواجه می باشند که روند عادی حکومتداری را با مشکل جدی مواجه ساخته اند که این موضوع روز تا روز گلویشان را بیشتر می فشارد و ساختن کابینه و دیگر ساختارهای حکومتی را دشوارتر می سازد:

مشکل اولی، تقسیم قدرت در میان دو تیم (اشرف غنی و عبدالله) می باشد که در ابتداء به تقسیم مساویانه قدرت میان خود موافقت کردند ولی اکنون هیچ کدام حاضر نیستند تا ذره ای هم عقب نشینی کرده و به جانب مقابل امتیاز بدهند. روزها و ماه ها چانه زنی به خاطر کسب امتیاز از تیم مقابل و وعده های امروز و فردای ساختن کابینه مردم را خسته ساخته و حتا کسانی که در بدترین وضعیت با پرداختن بهای سنگین آرای خود را استفاده کردند، بارها خود را ملامت می کنند که چرا فریب وعده های دروغین شان را خورده و به حرفهای چرب و نرم شان باور کردند.

مشکل دوم، تقسیم کرسی ها در میان هر یکی از این تیم ها می باشد. در دور اول با آن که مسأله تقسیم کرسی برای تیم های دوگانه مشکل بزرگی محسوب می شد، اما این مشکل در دور دوم «انتخابات» زمانی که تیم های شکست خورده کوچکتر جذب دو تیم برنده دور نهائی گردیدند، ابعاد وسیعتری را به خود گرفت. تیم های غنی و عبدالله که کرسی های وزارت، ولایت و ریاست های مهم را قبلاً میان تیم های خود تقسیم کرده بودند، با پیوستن چهره های تازه وارد به تیم های شان مشکل خود را چند برابر یافتند.

این تیم ها که برای رسیدن به قدرت باغ های سرخ و سبز زیادی را به مردم افغانستان به خصوص هواداران خود نشان دادند و از احساسات آنان همواره سوء استفاده کردند، حالا تصور می کنند که نه از طریق انتخابات شفاف و دموکراتیک و آرای مردم، بلکه از برکت جان گیری و ایالات متحده آمریکا بر مسند قدرت تکیه زده و به هدف خود نائل آمده اند. لذا در حسابدهی به مردم و نیازهای اساسی آنان خود را چندان مکلف نمی دانند. اما باز هم پاهایشان در گل بند مانده و ساختن کابینه به عنوان بزرگترین دشواری در پیش روی شان قرار گرفت. جالب اینجاست که هر کدام تأخیر در ساختن کابینه را ظاهراً دقت بیشتر در انتخاب افراد نخبه، متخصص، با تجربه و غیره بهانه قرار داده و مشکلات خود را می پوشاندند (البته بعد از اعلان لست کابینه دیده شد که تا چه اندازه افراد نخبه، متخصص، با تجربه، کارفهم و وارد در آن حضور دارند).

اعلان لست ناتکمیل کابینه با افراد غیر متخصص و غیر مسلکی که بعضی هایشان حتا در اسناد تحصیلی خود مشکل داشتند، بیانگر آن بود که موضوع تخصص و تجربه جز بهانه هائی برای تأخیر دلیل دیگری نمی توانست داشته باشد. اعلان ۵۷ پست مشاوریت برای رئیس جمهور، رئیس اجرائیه و معاونان شان خود گویای این واقعیت است که این تیم ها در گزینش و راضی ساختن اعضای تیم خود با چه مشکلی مواجه می باشند. این در حالیست که روز تاروز امنیت کشور از سوی نیروهای مسلح طالبان، القاعده، داعش و غیره با تهدید جدی روبه رو است؛ میلیون ها آواره افغان با مشکلات متعدد و اخراج اجباری از سوی پاکستان و ایران مواجه بوده؛ فقر، بیکاری، اعتیاد و صدها مصیبت دیگر زندگی مردم مارا تیره و تار ساخته است، اما تمامی هم و غم حاکمان قدرت را صرف حفظ منافع خود و اطرافیان تشکیل داده و مشکل ملت برای شان پیشیزی ارزش ندارد. چیزی که باز هم به حیث یک تجربه تلخ تاریخ در نزد مردم ما تکرار می شود و روزهای سیاه زندگی شان همچنان ادامه می یابد.